بازخوانی روایت درگذشت جهان پهلوان تختی در مطبوعات

۳ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۰:۰۲

کیهان ورزشی هم روی عکس تمام قد تختی تیتر زده بود: «دل "شیر" خون شده بود.» تیتری که برای اولین بار خبر مرگ پهلوان را منتشر کرده بود. آن روز همهٔ جلدها پر بود از خرده خبرهای مربوط به تختی. اطلاعات، روی جلدش ماجرای مرگ را لحظه به لحظه با توصیف چگونگی آن شرح داده بود.

این بازخوانی قصه نشریات زمان فوت جهان پهلوان غلامرضا تختی است:

پیرزن، تنها گوشه‌ای از اتاق روی مبل نشسته. ضبط می‌خواند و پیرزن غرق در افکارش، تمام خاطرات کابوس‌بار سال اول ازدواجاش را مرور می‌کند. یاد آن روز لعنتی... ساعت ۱۲:۳۰ ظهر بود که زنگ تلفن به صدا درآمد؛ «الو، سلام آقای تختی منزل هستند؟»

- شما؟

من از روزنامه کیهان زنگ می‌زنم...

- نه خیر، مگر شما خبر نداشتید که او برای مسافرت به رامسر رفته است.

این مکالمه درست یک ساعت پس از باز شدن در اتاق شماره ۲۳ هتل آتلانتیک بوده است.

روزنامه کیهان در شماره ۱۸ دی ۴۶ عبارات فوق را نقل کرده است. آن لحظه شهلا هنوز ماجرای فوت شوهرش را نشنیده بود. چند دقیقهٔ بعد دوباره زنگ تلفن به صدا در می‌آید و این بار بدترین خبر تمام سال‌های عمرش به او داده می‌شود. بابک را بغل می‌کند و با فرزند دو ماهه‌اش به پزشکی قانونی می‌رود.

شوهرش که سه روز قبل به حالت قهر خانه را ترک کرده بود، حالا بی‌جان روی سنگ سردخانهٔ پزشکی قانونی افتاده.

زندگی حالا ۱۰ ساعتی است که برای غلامرضا به پایان رسیده و از همین حالا که شهلا بالای سر شوهرش اشک می‌ریزد، قصهٔ بی‌پایان دردهای او شروع می‌شود. قصهٔ سیاوش و سودابه. سیاوش از آتش گذشته و حالا زمان جشن سیاوشانه است!

پیرزن به یاد می‌آورد. از همان پزشکی قانونی نگاه‌های سنگین و پچ‌پچ‌ها شروع شد و خیلی زود همه او را مسبب اصلی معرفی کردند. هنوز جنازهٔ غلامرضا دفن نشده بود که روزنامه‌ها شهلا را متهم ردیف یک معرفی کردند؛ «غلامرضا تختی خودکشی کرد».

این تیتر اصلی صفحه یک کیهان ۱۸ دی بود که همراه با ۱۰ تیتر فرعی دیگر مربوط به مرگ جهان پهلوان روی جلد برده بود. «وصیتنامه تختی، نوشته‌های تختی پیش از مرگ، علت خودکشی مشکلات خانوادگی بوده است و...»

اطلاعات هم که در چاپ دوم روز ۱۸ دی ۴۶ این خبر را با اشتباهی فاحش روی جلد برده بود، نوشته بود: «خودکشی یک قهرمان! غلامرضا تختی به دلیل مشکلات خانوادگی پیش از ظهر امروز خودکشی کرد.»

کیهان ورزشی هم روی عکس تمام قد تختی تیتر زده بود: «دل "شیر" خون شده بود.» تیتری که برای اولین بار خبر مرگ پهلوان را منتشر کرده بود. آن روز همهٔ جلدها پر بود از خرده خبرهای مربوط به تختی. اطلاعات، روی جلدش ماجرای مرگ را لحظه به لحظه با توصیف چگونگی آن شرح داده بود.

کیهان سه صفحهٔ کامل از روزنامه را به این اتفاق اختصاص داده بود. در یکی از صفحات داخلی، عکسی از عروسی شهلا و تختی چاپ شده بود که در شرحش چنین آمده بود: «یک شب در یک میهمانی اشرافی گوشه‌ای ایستاده بودم و باقی همه مشغول بزن و برقص بودند. در تمام آن جمع، تنها یک دختر که کنار من ایستاده بود مثل من بیگانه با این شلوغی بود و این شروع آشنایی ما با هم و ازدواجمان بود.» پیرزن این جمله و این عکس را در ذهن تداعی می‌کند و پس از لبخندی تلخ، دوباره به گریه می‌افتد.

اما این ۱۹ دی بود که روزنامه‌ها شهلا را با مطالبشان برای همیشه منزوی کردند: «یادداشت‌های تختی از تصمیم تا مرگ»، «اختلافات خانوادگی تختی چه بود؟» مادرزن تختی: «من دخالت نمی‌کردم.» خواهر تختی: «آن‌ها با هم اختلاف زیادی داشتند.» همهٔ این تیترها در کنار تیترهای ریزتر و کنار عکس آخرین دست‌نوشتهٔ تختی و عکس شهلا که بابک را در دست گرفته، مهر تأییدی بود که کیهان آن روز بر خبر خودکشی به عنوان علت مرگ غلامرضا می‌زد.

آخرین دست نوشتهٔ غلامرضا این بود: «خودکشی کاری سخت است... خداحافظ. حالا که این نامه را می‌نویسم می‌دانم که فردا دیگر زیر خاک هستم.» این تنها بخشی از دست‌نوشته‌های تختی در چهار ماه آخر زندگی بود که آن روز کیهان چاپ کرده بود: چهار ماه قبل: «شهلا رژیم گرفته و شیرش کم شده»، سه ماه قبل «امروز باز با شهلا دعوا کردم». یک ماه قبل «شیر شهلا به دلیل رژیم قطع شده، نگران بابکم هستم.» دو روز قبل:... اگرچه بعدها بعضی‌ها سراغ این یادداشت‌ها را گرفتند ولی موفق به دیدن آن‌ها نشدند، به هر حال موج بدی علیه شهلا راه افتاده بود.

همهٔ دست‌نوشته‌هایی که کنار هم قرار گرفتنشان تنها یک معنی دارد: «من از دست زنم خودکشی کرده‌ام.» مادر و خواهر غلامرضا هم به شدت علیه شهلا موضع گرفته‌اند. شهلا هم آن روز شاید در یکی از معدود گفت‌وگوهایش گفته: «ما با هم اختلاف داشتیم.» ولی نه او و نه هیچ کس دیگر باور نمی‌کردند که اختلاف‌ها بتواند روحیهٔ محکم تختی را شکسته باشد.

روی جلد اطلاعات هم آمده بود که تختی از دو ماه و نیم قبل به دلیل اختلاف با همسرش قصد خودکشی داشته است. در صفحات داخلی اطلاعات هم پر از اخبار مربوط به جدیدترین خبرهای مرگ تختی است. گزارش روز دفن و اظهارنظرها.

حتی هفته‌نامهٔ فردوسی هم در دو گزارش جدا به تحلیل علل خودکشی قهرمان پرداخته و در یکی از آن‌ها مشکلات را دلیل این تصمیم معرفی کرده است و در دیگری به ستایش این تصمیم و به وصف جاودانگی این مرگ پرداخته. بخش دیگری از مطبوعات کم‌کم شروع کردند به بحث دربارهٔ علت خودکشی و پیش کشیدن این سؤال که چنین اختلافاتی مگر می‌تواند عامل خودکشی باشد؟

صفحاتی که پر از عکس‌های خانوادگی تختی است. خاطرات و شعرها هم مطالب دیگر این هفته‌نامه برای پهلوان مرده بوده‌اند که همگی پس از تیتر: «هفته درد، هفته غم» آمده بودند. چند روز بعد، کیهان تنها یک خبر کوتاه از مراسم شب هفت در صفحهٔ ورزشی کار کرده بود، درست مثل اطلاعات. اتفاقات و شعارهای مردم در مراسم شب هفت علیه رژیم حاکم، نوشتن دربارهٔ تختی را ممنوع کرد.

اتفاقی که شاید کمی از درد هجمهٔ خبرهایی که علیه‌اش در روزنامه‌ها نوشته می‌شد کم می‌کرد، اما همان نوشته‌های چند روز اول کافی بود که شهلا در صف اول متهمین برای مرگ قهرمان محبوب ملی باشد. اتهامی که شهلا را برای همیشه زیر سایهٔ سنگین بار گناه مرگ غلامرضا، از جمع گریزان کرد و به انزوا کشید. این دردی است که او همهٔ این سال‌ها هر روز و هر روز با خود کشیده و هنوز به پایش اشک می‌ریزد.

آدرس مطلب :
https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۰۵۳/روایت-بازخوانی-درگذشت-جهان-پهلوان-تختی-مطبوعات